

# جشن اسفندگان یا روز زن در ایران باستان

توران شهریاری (بهرامی)

□ در ایران باستان سال را به دو فصل تابستان بزرگ و زمستان بزرگ تقسیم می‌کردند که اولی هفت ماه و دومی پنج ماه یعنی از اول فروردین تا اول آبان و از اول آبان تا اول فروردین بود. به پایان سال هم پنج روز به نام پنجه می‌فزودند.

یکی از مهم‌ترین پایه‌های فرهنگ و تمدن ایران باستان شادی و غنیمت بردن از زندگی بود که آن را ایرانیان باستان در سال چندین جشن داشتند و مردم در آن شرکت گسترده داشتند. چهارده جشن از این جشن‌ها هم‌نامی روز یا ماه بود چون ایرانیان باستان غیر از دوازده ماه که نام ماه‌های کنونی را داشت، برای هر روز از سی روز نیز نام مقدسی را انتخاب کرده بودند. مثلاً آغاز هر ماه، نامش هورمزد بود که منسوب به اهورامزدا بود. دومین روز «وهومن» یعنی بهمن بود که به معنی خرد مقدس است و سومین روز «اشا وهیشتا» نام داشت که امروز به آن اردیبهشت می‌گوییم و به معنی بهترین راستی و نظم و قانون و هنجاری است که جهان را اداره می‌کند. این سه امشاسپند که نمودار فروزنده‌ها و ویژگی‌های اهورا مزداست روح مذکر و سه‌تای دیگر از آن روح مونث داشت که نمودار روح زنانه است و این نمودار تساوی و برابری مرد و زن در بالاترین حد آفریدگاری است. سه امشاسپندی که روح زنانه دارند عبارتند از: «سپندارمذ» که امروز به نام اسفند است و نماد مهر و محبت و عشق می‌باشد که در مادر به بالاترین حد وجود دارد.

پنجمین امشاسپند عبارت است از «نتودوتات» که امروز به آن خرداد می‌گوییم و نمودار کمال و رسایی انسان است و بالاخره ششمین فروزه‌ی اهورایی «امرتات» یا امرداد است که امروزه به اشتباه آن را مرداد می‌خوانیم. امرداد به معنی جاودانگی و بی‌مرگی است یعنی کسی که مراحل پیشین را که از ویژگی‌های اهورامزداست بتواند در خود پرورش دهد و به آن آراسته گردد، به مرحله بی‌مرگی و فناپذیری خواهد رسید. واژه‌ی مرداد به معنی فناپذیری و ناپایداری است که مفهوم آن کاملاً مخالف امرداد است.

به هر حال در این روز که روز اسفند از ماه اسفند بود و به نام اسفندگان شهرت داشت، روز ویژه‌ی زن و بزرگداشت مادران و زنان در ایران باستان بود.

گفتنی است که بعدها «روز زن» در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم در اروپا و آمریکا متداول شد. آن هم نه به خاطر احترام به مادران و زنان بلکه چون در روز هشتم مارچ که برابر با ۱۷ اسفند است زنان کارگر در شهر شیکاگوی آمریکا در خیابان‌ها دست به اعتراض زدند و به نابرابری‌های بین زن و مرد کارگر اعتراض کردند و تا حدی موفق شدند. چون پیروزی‌هایی به دست آوردند، آن روز به نام روز زن «هفتم مارس» در آمریکا و اروپا هر ساله آن را جشن می‌گیرند. در کتاب «بندش» آمده است که خداوند در آغاز خلقت نخستین زن و مرد آریایی را به صورت دو ساقه‌ی ریواس همسان و هم‌اندازه و هم‌تا بودند بیافرید سپس به اراده خداوند آن دو ساقه ریواس از صورت گیاهی به صورت آدمی درآمدند و این با نظریه‌ی تکامل داروین هماهنگی دارد و این کار در روز مهر از ماه مهر صورت گرفت که جشن مهرگان می‌باشد و غیر از آفرینش نخستین زن و مرد جهان پیروزی کاوه بر ضحاک نیز هست. آن دو ساقه‌ی ریواس به نام «مشیه و مشیان» نامیده شدند که همان آدم و حوای ادیان ابراهیمی است و آن چه در ایران باستان درباره‌ی آفرینش زن و مرد باور داشتند نمودار برابری و عدم تبعیض زن و مرد در آن زمان بود.

زرتشت در «گاتها» سخنان خود زنان و مردان را به یکسان مورد خطاب قرار می‌دهد به فروهر زنان نیک مانند فروهر مردان نیک و پارسا درود می‌فرستد و از زنان خردمند و مهرورز و سودرسان مانند مردان خردمند و مهرورز و سودرسان یاد می‌کند و به آنان درود می‌فرستد و آنان را می‌ستاید. در اوستا به زن «نمانوپیتی» و به مرد «نمانپیتی» می‌گوید که به معنی کدبانو و کدخداست. کد به معنی خانه و بانو به معنی روشنایی و فروغ و کدخدا به معنی صاحب خانه است. بنابراین، مرد که کدخداست یعنی صاحب خانه و زن که کدبانوست به معنی نور و روشنی خانه می‌باشد.

در آیین زرتشت هدف از ازدواج و تشکیل خانواده فقط رفع نیازهای جسمانی و فیزیکی نیست بلکه مهم‌ترین هدف از تشکیل خانواده به وجود آوردن فرزندان نیک و شایسته است که به نیروی خوبی و نیکی

کمک نمایند و با نیروی بدی مبارزه کنند تا در نتیجه در جهان نیکی بر بدی پیروز گردد. بنابراین در خانواده دختر با پسر فرقی نداشت و هر یک از دختر و پسر بایستی خود را از راه کسب علم و دانش و خواندن و نوشتن و در صورت امکان تا بالاترین حد تحصیلات آماده خدمتگزاری به جامعه نمایند تا عنصر مفیدی برای خانواده و شهر و کشور باشند.

در یسنا آمده است: ای خداوند به من فرزندی عطا کن تا با نیروی خرد و دانش بتواند به دیگران و به کشور کمک نماید.  
در این جا دختر و پسر بودن مطرح نیست «آذرباد ما را سپند» در پندنامه‌ی خود به پسرش اندرز می‌دهد که: راه دانش آموزی را بر همسر و فرزندان باز کن و آنان را به این کار تشویق نمای و اگر از لحاظ مادی

از توران شهریاری (شاعره‌ی زرتشتی):

در آیین زرتشت هر مرد و زن  
نه کم تر بود دختری از پسر  
بود شانش از دانش خویشتن  
گرامی تر آن کو خردمندتر



از سید علینقی امین (عالم و عارف مسلمان):

نبی فرمود با زهرای اطهر  
که جنت هست زیر پای مادران

## گلرخان سیه چشم

داستان شاه زنان شاهنامه‌ی فردوسی

دکتر مهین بانو صنیع

... زن ایرانی را در شاهنامه پایگاهی بس والاست و فردوسی نخستین شاعری است که از همسر خویش و همدلی‌ها و یآوری‌های وی سخن گفته است. این دفتر [= گلرخان سیه چشم] ترجمانی است از سرگذشت چند بانوی پاک نهاد ایرانی که از زبان و سروده‌های این اندیشمند و شاعر شگفتی‌آفرین پارسی گوی فراهم آمده و بی‌هیچ‌گونه ادعایی پیشکش ستایشگران استاد توس می‌شود.

از دید فردوسی، زن، مدّ رسایی آفرینش، گل نوبهار هستی و سرو

سیمین بر بهشتی است پر آرم است و بردبار، دلاویز و فرزانه پسرشته از پاکی و مهر و به هنگام جنگ و در دانه و دلاور. از داستان‌های شاهنامه چنین برمی‌آید که در پس زندگی هر پلی و سالاری، زنی شایسته و پرتوان، به بلندای کوه، قامت برافراشته و در همه هنگام با مرد خویش همگام است و از این روی، فردوسی نیز از همسر فرهیخته و مهربان ادب آموخته‌ی خویش با شایستگی بسیار یاد می‌کند و با جادوی سحرآفرین سخن، از اندیشه‌ی رسا و منش والای او یاد می‌نماید و وی را در سرودن این نامه که

هم، ریشه در آفرینش گیتی و هم، ریشه در راز و رمز هستی دارد، یار و یاور خویش می‌شمارد و می‌گوید:

مرا مهربان یار بشنو چه گفت  
از آن پس که با جام گشتیم جفت  
مرا گفت ای یار خورشید چهر  
که از جان تو شاد بادا سپهر  
به پیمای می تا یکی داستان  
به دفتر برت خوانم از باستان  
و در جایی دیگر، یآوری او را در تدوین شاهنامه به جان گرامی می‌دارد و می‌سراید:

بدان سرو بُن گفتم ای ماهروی  
مرا امشب این داستان بازگوی  
ز تو طبع من گردد آراسته  
ایا مهربان یار پیراسته  
(مقدمه‌ی گلرخان سیه چشم، تهران،

نشر نو، ۱۳۸۵، صص ۱۲-۱۳)